

دکتر کاوه فرخ معتقد است که ایران در شرایط نامناسبی قرار گرفته و در محاصره‌ی کشورهای قرار گرفته که به نوعی ایران را دشمن خود می‌دانند اما متاسفانه مردم به دلیل‌های مختلف از این شرایط خطرناک آگاه نیستند:

۱) عراق: کشوری که پس از جنگ جهانی اول ساخته شد و در ابتدا بسیار جهان‌شهری (cosmopolitan) و متنوع بود به طوری که در سال ۱۹۲۰ م/۱۲۹۹ خ یک سوم جمعیت بغداد را ایرانیان تشکیل می‌دادند. اما پس از آن که حزب بعث کنترل را به دست گرفت این کشور یکی از پایگاه‌های «همه‌عرب‌انگاری»* شد و ایران را دشمن شماره یک ابدی خود اعلام کرد. به طوری که صدام حسین جنگ ویرانگری را به ایران تحمیل کرد که ویرانی و کشتار فراوانی به بار آورد. حتا خود وی و مردم عراق حمله‌ی آمریکا و متحدانش به عراق را از چشم ایران می‌بینند و صدام در پای چوبه‌ی دار نیز فریاد زد: مرگ بر ایرانیان!

۲) شیخک نشین‌های خلیج همیشه پارس: اگرچه در نام «عربی» و «مستقل» هستند اما در عمل و به کام بریتانیا هستند و آنان نیز دشمن شماره یک خود را ایران می‌دانند. جدایی طلبان عرب از سوی اینان حمایت می‌شوند. نمونه‌هایی از تلاش‌های آنان برای ایرانی‌زدایی و دشمنی با ایران، ادعای مالکیت بر سه جزیره‌ی ایرانی «تنب کوچک»، «تنب بزرگ» و «بوموسا» و نیز خرج کردن پول فراوان برای تغییر نام خلیج پارس به نام جعلی و قلابی «خلیج عربی» است.

۳) پاکستان: این کشور نیز پس از جنگ جهانی دوم به وجود آمد و در اصل بخش غربی هندوستان بود و به شدت زیر نفوذ فرهنگ ایرانی/پارسی بود. اما اکنون این کشور نیز از مرکزهای همه‌عرب‌انگاری و بنیادگرایی اسلامی شده و زیر نفوذ وهابیان است و دشمن شماره یک عقیدتی خود را ایران می‌داند. به یاد داریم که در زمان نواز شریف چگونه طالبان پا گرفتند و سیاست‌کاران (دیپلمات‌های) ایرانی را کشتند. جدایی طلبان بلوچ از سوی اینان و وهابیان عربستان حمایت می‌شوند.

۴) جمهوری موسوم به آذربایجان (اران): این مستعمره‌ی پیشین اتحاد سوسیالیستی/کمونیستی شوروی در اصل و دست کم از زمان ساسانیان تا زمان قاجار استانی از ایران بود و جمعیت مرکبی داشت. ترک‌سازی این منطقه پس از آن شروع شد که تزارهای روس طی دو جنگ و دو قرارداد ننگین «گلستان» و «ترکمان‌چای» این منطقه را از ایران گرفتند و پس از آنان به ترتیب بلشویک‌ها و شوروی‌ها و همه‌ترک‌انگاران** مانند حیدر علی‌اف) کار تزارها را ادامه دادند و کوشیدند رشته‌های دوستی و ارتباط هزاران ساله‌ی بین ایران و این سرزمین‌ها را بریده و به آنان چنین تلقین کنند که ایران کشور آنان را اشغال کرده و به آنان ستم می‌کرده است حال آن که خودشان چنین کاری می‌کردند. این مغزشویی‌ها مدت ۱۰۰ سال است که ادامه داشته است و امروزه به دلیل وجود نفت در این کشور لابی‌های مختلف و نفت‌خواران آنجا را اهرمی برای ضربه زدن به ایران کرده‌اند. جدایی طلبان همه‌ترک‌انگار با دلارهای نفتی اینان حمایت می‌شوند.

۵) پشتون‌ها در افغانستان: طالبان و پشتون‌ها نیز که مهره‌های دست بریتانیا و آمریکا بوده‌اند ایران و زبان و فرهنگ پارسی را دشمن خود می‌دانند. (نمونه‌هایی از آن را پیشتر نوشته‌ام مانند بخش پشتون‌سازی در مقاله‌ی «کیستی تیرخورده‌ی زبان پارسی» که ترجمه کردم و خبر «مجازات زبان پارسی»)

متاسفانه مردم ما چندان توجهی به آنچه در اطرافشان می‌گذرد ندارند.

این هم خبری قدیمی (اپریل ۲۰۰۷ = اردیبهشت ۱۳۸۶) مبنی بر این که آمریکا جنرال‌الله بلوچ به رهبری عبدالملک ریگی را تشویق به تجاوز به ایران می‌کند.

نوشته‌ی شهربراز

شهربراز

<http://shahrbaraz.blogspot.com>

*Pan-Arabism

**Pan-Turkism